

اصول مدیریت ریسک اعتباری

بخش دوم

تهیه و تنظیم: اداره تشکیلات و روش‌ها - بانک توسعه صادرات ایران

هیأت مدیره از این نکته نیز آگاهی داشته باشد که استراتژی و طرح مزبور باید انواع فعالیت‌های بانک را که در آنها ریسک اعتباری مهم به شمار می‌رود، پوشش دهد.

۱۰- استراتژی مورد نظر، باید نشان‌دهنده تمایل بانک برای اعطای اعتبار براساس نوع خطرات ناشی از وام‌ها (به عنوان مثال، تجاری، وام‌های مربوط به کالاهای مصرفی، مستغلات)، بخش اقتصادی، موقعیت جغرافیایی، ارز، موعد پرداخت و سودآوری مورد انتظار باشد. این امر ممکن است شامل شناسایی بازارهای هدف و مشخصه‌های کلی که بانک مایل است در پرتفوی اعتباری خود به آنها دست یابد، نیز باشد (شامل سطوح متنوع‌سازی و تغییرات میزان تمرکز).

۱۱- استراتژی ریسک اعتباری باید موجب تشخیص و شناسایی اهداف کیفیت اعتبار، درآمدها و رشد شود. هر بانک، علی‌رغم اندازه آن، به فعالیت بازرگانی مشغول است که انتظار سودآوری در آنها وجود دارد و در نتیجه، باید با در نظر گرفتن هزینه سرمایه، تناسب قابل قبولی را بین ریسک و بازده برقرار نماید. هیأت مدیره یک بانک باید استراتژی بانک را برای انتخاب ریسک‌ها و ماکزیم کردن سود تصویب نماید. هیأت مدیره باید به صورت دوره‌ای نتایج مالی بانک را بازنگری نموده، و براساس این نتایج مشخص کند که آیا نیازی به تغییر در استراتژی می‌باشد یا خیر؟ همچنین، هیأت مدیره باید سطح سرمایه بانک برای ریسک‌های احتمالی را در سراسر سازمان تعیین کند.

۱۲- استراتژی ریسک اعتباری هر بانک باید روش و شیوه پیوسته‌ای را عرضه نماید. بنابراین، لازم

اشاره

در بخش نخست این مقاله، اصول مربوط به ارزیابی مدیریت ریسک اعتباری بانک‌ها و همچنین، مقدمات مربوط به اصول مدیریت ریسک اعتباری را که توسط کمیته نظارت بانکی بال (سویس) فراهم آمده است، ملاحظه فرمودید و اینک ادامه بحث.

بانک و اقتصاد

بوجود آوردن محیط ریسک اعتباری مناسب

● اصل ۱: هیأت مدیره بانک مسوولیت دارد که به صورت دوره‌ای (حداقل به طور سالانه) راهبردهای ریسک اعتباری و سیاست‌های عمده ریسک اعتباری را مورد بازنگری قرار دهد. راهبردها باید انعکاس‌دهنده دامنه تغییرات سطوح ریسک و سودآوری باشد که بانک برای ریسک‌های مختلف اعتباری انتظار دارد.

۹- همانند تمامی فعالیت‌های بانک، هیأت مدیره^(۱) نقش بسیار مهم و حیاتی در نظارت و سرپرستی بر اعطای اعتبار و همچنین، عملکرد مدیریت ریسک اعتباری بانک را دارا می‌باشد. هر بانک باید دارای یک استراتژی یا طرح ریسک اعتباری به منظور هدایت اهداف در جهت انجام فعالیت‌های مربوط به اعطای اعتبار بانکی، هماهنگی، تطبیق سیاست‌ها و روبه‌های مورد نیاز برای اداره چنین فعالیت‌هایی باشد. استراتژی ریسک اعتباری، همانند سیاست‌های مهم ریسک اعتباری، باید توسط هیأت مدیره تصویب و به صورت دوره‌ای (حداقل سالی یکبار) بازنگری شود. لازم است که



▲ با استفاده از استراتژی و سیاست‌های ریسک اعتباری، می‌توان از سقوط بانک‌ها جلوگیری کرد.

است که این استراتژی، جنبه‌های ادواری هر اقتصاد و تغییرات منتج از آن در ترکیب و کیفیت کلی پرتفوی اعتباری را به حساب آورد. با وجود اینکه این استراتژی باید به صورت ادواری برآورد و اصلاح شود، در درازمدت و در دوره‌های اقتصادی مختلف نیز باید عملی و دارای امکان موفقیت باشد.

۱۳- استراتژی و سیاست‌های ریسک اعتباری باید به صورت موثری در سراسر سازمان بانک به اطلاع افراد رسانده شود. تمامی کارمندان مربوطه، باید به طور کامل، راه و شیوه بانک در اعطا و مدیریت اعتبار را کاملاً درک نمایند و در ارتباط با پیروی از سیاست‌ها و رویه‌های مقرر پاسخگو باشند.

۱۴- هیأت مدیره باید اطمینان حاصل نماید که مدیران ارشد توانایی کامل برای مدیریت فعالیت‌های اعتباری را که توسط بانک اجرا می‌شوند، دارا باشند و اینکه چنین فعالیت‌هایی در حدود استراتژی، سیاست و دامنه تغییرات ریسک که توسط هیأت مدیره باید به طور مرتب (حداقل سالی یکبار) در حدود استراتژی ریسک اعتباری و یا در حدود شرح سیاست اعتباری، کل ضوابط اعطای اعتبار بانک (از جمله شرایط و ضوابط عمومی) را تصویب کند. علاوه بر این، هیأت مدیره باید روش بانک را در نحوه سازماندهی فعالیت‌های اعطای اعتبار، از جمله بررسی مستقل فعالیت اعطا و مدیریت اعتبار و پرتفوی کلی تصویب نماید.

۱۵- در حالیکه اعضای هیأت مدیره، به ویژه مدیران خارج از بانک، می‌توانند منابع مهمی برای فعالیت‌های تجاری جدید در بانک باشند، زمانی که یک اعتبار بالقوه مطرح می‌شود، رویه‌های پایه‌گذاری شده در بانک باید میزان و مدت اعطای اعتبار را تعیین نمایند. به منظور اجتناب از تضاد منافع، مهم است که هیأت مدیره از رویه‌های اعطای اعتبار و کنترل آن عدول ننماید.

۱۶- هیأت مدیره باید تضمین کند که سیاست‌های پاداش‌دهی بانک با استراتژی ریسک اعتباری آن تناقض نداشته باشد. سیاست‌های پاداش‌دهی که به وضعیت‌های غیرقابل قبول مانند ایجاد سودهای کوتاه‌مدت پاداش می‌دهند، در حالیکه باعث انحراف از سیاست‌های اعتباری یا تخطی از حدود تعیین شده می‌شوند، رویه‌های اعتباری بانک را نیز تضعیف خواهند کرد.

● اصل ۲: مدیران ارشد باید مسوولیت پیاده‌سازی استراتژی ریسک اعتباری تصویب شده توسط هیأت مدیره، و ایجاد سیاست‌ها و رویه‌های شناسایی، اندازه‌گیری، بازبینی و کنترل ریسک

اعتباری را دارا باشند. چنین سیاست‌ها و رویه‌هایی، باید ریسک اعتباری در تمامی فعالیت‌های بانک را در هر دو سطح اعتبارات منفرد و پرتفوی، در برگیرند.

۱۷- مدیران ارشد بانک مسوول پیاده‌سازی استراتژی ریسک تصویب شده توسط هیأت مدیره هستند. این امر شامل حصول اطمینان از این نکته است که آیا فعالیت‌های اعطای اعتبار توسط بانک مطابق با استراتژی‌های پایه‌گذاری شده است و رویه‌های مکتوب را بوجود آورده و پیاده‌سازی می‌شوند؟ و اینکه آیا تصویب وام و بازبینی مسوولیت‌ها به طور واضح و مناسبی واگذار شده‌اند یا خیر؟ همچنین، مدیران ارشد باید اطمینان حاصل نمایند که ارزیابی داخلی مستقل دوره‌ای از فعالیت‌های اعطا و مدیریت اعتباری بانک وجود دارد^(۱).

۱۸- اساس یک بانکداری مطمئن و بی‌خطر، همانا طراحی و پیاده‌سازی سیاست‌ها و رویه‌های مکتوب مربوط به شناسایی، اندازه‌گیری، بازبینی و

○ هر بانک باید یک استراتژی یا طرح ریسک اعتباری به منظور هدایت اهداف در جهت انجام فعالیت‌های مربوط به اعطای اعتبار، هماهنگی، تحقق سیاست‌ها و رویه‌های مورد نیاز برای اداره چنین فعالیت‌هایی را در اختیار داشته باشد.

کنترل ریسک اعتباری است. سیاست‌های اعتباری، چارچوب اعطای وام را بوجود می‌آورند و فعالیت‌های اعطای اعتبار بانک را راهنمایی و هدایت می‌کنند. سیاست‌های اعتباری باید موضوعاتی از قبیل بازارهای هدف، ترکیب پرتفوی، شرایط قیمتی و غیرقیمتی، ساختار محدودیت‌ها، نمایندگان مجاز (برای تأیید یا اعطا)، گزارش و نحوه عمل حالت‌های خاص و غیره را پوشش دهند. چنین سیاست‌هایی، باید به طور واضح تعریف شوند و با شیوه‌های بانکی سنجیده و نیازهای نظارتی مناسب سازگار بوده و برای ماهیت و ترکیب فعالیت‌های بانک کافی باشند. سیاست‌ها باید در حدود عوامل داخلی و خارجی، مانند موقعیت بانک در بازار، ناحیه تجاری، توانایی‌ها و دانش فنی کارمندان، طراحی و پیاده‌سازی شوند. سیاست‌ها و رویه‌هایی که به طور مناسب شکل گرفته و پیاده‌سازی شوند، بانک را قادر می‌سازند که: الف) استانداردهای اعطای اعتبار بی‌خطر را پشتیبانی نماید، ب) ریسک اعتبار را بازبینی و کنترل کند، پ) فرصت‌های تجاری جدید را به طور مناسب و صحیح

بسنجد، و ت) اعتبارات مشکل را شناسایی و اداره کند.

۱۹- همانطور که در پاراگراف‌های ۳۰ و ۳۷ تا ۴۱ مطرح خواهد شد، بانک‌ها باید سیاست‌ها و رویه‌هایی را ایجاد و پیاده‌سازی کنند که با داشتن بازارهای هدف، بانک و کل استراتژی اعتباری تضمین نماید که پرتفوی اعتباری از تنوع کافی و مناسبی برخوردار است. در حقیقت، چنین سیاست‌هایی باید برای ترکیب پرتفوی، هدف مشخصی را تعریف نموده و همچنین، برای طرف‌های قرارداد منفرد و گروه‌هایی از طرف‌های قرارداد مرتبط با هم، صنایع خاص یا بخش‌های اقتصادی، نواحی جغرافیایی و محصولات معین، محدودیت‌های میزان خطر را تنظیم کند. بانک‌ها باید همچنین تضمین کنند که محدودیت‌های میزان خطر داخلی خودشان، حدود سنجیده و مصلحت‌آمیز یا محدودیت‌های تعیین شده از سوی ناظران بانک را برآورده می‌سازد.

۲۰- به منظور داشتن کارایی، سیاست‌های اعتباری باید در سراسر سازمان یا یکدیگر مرتبط باشند، از طریق رویه‌های مناسبی پیاده‌سازی شوند، مورد بازبینی قرار گیرند و به صورت دوره‌ای تجدید نظر و اصلاح شوند تا تغییر در شرایط داخلی و خارجی را به حساب آورند. در موارد مقتضی هم لازم است که بررسی‌های مربوطه به صورت منفرد یا به صورت تلفیقی صورت گیرد. علاوه بر این، سیاست‌ها باید فعالیت‌های مهم بازبینی اعتبارات به صورت منفرد و تضمین تنوع مناسب در سطح پرتفوی را به یک اندازه مخاطب قرار دهند.

۲۱- زمانی که بانک‌ها درگیر اعطای اعتبار به صورت بین‌المللی می‌شوند، علاوه بر ریسک اعتباری استاندارد، متعهد ریسک مربوط به شرایط کشور وام‌گیرنده یا طرف قرارداد خارجی نیز می‌شوند. ریسک کشورها یا دولت‌ها، به طور کلی، طیف ریسک‌های ناشی از محیط‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی یک کشور خارجی را که می‌توانند پیامدهای بالقوه‌ای برای وام‌های افراد خارجی و مشارکت در سرمایه در آن کشور داشته باشند، شامل می‌شود. ریسک انتقالی، بیشتر بر روی میزان توانایی وام‌گیرنده در استفاده از مبادلات ارزی برای ایفای تعهدات خود به سایر کشورها، متمرکز می‌باشد. در تمامی موارد تراکشن‌های بین‌المللی، لازم است که بانک‌ها متوجه جهانی بودن بازارهای مالی و توان بالقوه تأثیراتی باشند که از یک کشور به کشور دیگر تسری پیدا می‌نماید و یا کل یک منطقه را در بر می‌گیرد.

۲۲- بنابراین، بانک‌هایی که درگیر اعطای اعتبار به صورت بین‌المللی هستند، باید برای

ریسک‌های محصولات و فعالیت‌های جدید، قبل از معرفی و قبول، تحت رویه‌ها و کنترل‌های کافی قرار گیرند. هر فعالیت جدید اساسی هم باید قبلاً توسط هیأت مدیره یا کمیته نماینده و اختصاصی آن تصویب شود.

۲۶- مهم است که مدیران ارشد در تمام فعالیت‌هایی که ریسک اعتباری وام‌گیرنده و طرف قرارداد وجود دارد - چه از قبل باشد و چه جدید، ابتدایی یا پیچیده - تعیین کنند که کارمندان درگیر، توانایی کامل در اداره فعالیت بر طبق بالاترین استانداردها و براساس سیاست‌ها و رویه‌های بانک را دارا باشند.

کار کردن تحت یک رویه اعطای اعتبار سالم و بی‌نقص

● اصل ۴: بانک‌ها باید تحت ضوابط اعطای اعتبار سالم، بی‌نقص و به خوبی تعریف شده کار کنند. این ضوابط، علاوه بر هدف و ساختار اعتبار و منبع

سیاست‌های دقیقی باید به کار گرفته شوند تا از ارتباط با اشخاص درگیر در فعالیت‌های کلاهبردارانه و دیگر جرایم اجتناب شود.

بازپرداخت آن، باید شامل اشاره‌ای واضح به بازار هدف بانک و فهم کامل از وام‌گیرنده یا طرف قرارداد نیز باشند.

۲۷- برقراری روش و ضوابط اعطای اعتبار بی‌خطر و به خوبی تعریف شده، برای اعطای اعتبار ضروری است. ضوابط باید تعیین کنند که چه کسی و به چه میزانی شایستگی دریافت اعتبار را دارد، چه نوع اعتباراتی در دسترس است و تحت چه موافقت‌ها و شرایطی اعتبارات باید اعطا شوند؟

۲۸- بانک‌ها باید اطلاعات کافی دریافت نمایند تا توانایی انجام یک ارزیابی جامع از پرتفوی ریسک واقعی وام‌گیرنده یا طرف قرارداد را داشته باشند. بسته به نوع خطر اعتبار و ماهیت اعتبار نسبت به تاریخ، عواملی که باید به منظور تصویب اعتبار در نظر گرفته شده و مستند شوند، شامل موارد زیر می‌باشند:

- هدف اعتبار و منابع بازپرداخت،

- مشخصات ریسک جاری وام‌گیرنده یا طرف قرارداد (شامل ماهیت و مقادیر تجمعی ریسک) و وثایق و حساسیت آنها نسبت به توسعه و گسترش‌های اقتصاد و بازار،

شناسایی، اندازه‌گیری، بازبینی و کنترل ریسک کشور و ریسک انتقال در فعالیت‌های وام‌دهی و سرمایه‌گذاری بین‌المللی خود، سیاست‌ها و رویه‌های کافی داشته باشند. بازبینی عوامل ریسک کشوری نیز باید شامل موارد زیر باشد:

الف) عدم پرداخت بالقوه طرف‌های قرارداد بخش خصوصی خارجی ناشی از عوامل اقتصادی خاص کشور،

ب) لازم الاجرا بودن موافقت‌نامه‌های اعطای وام و زمانبندی و توانایی تحقق پیدا کردن وثایق تحت چارچوب قانونی ملی. این کار معمولاً وظیفه یک تیم متخصص آشنا با این مسایل می‌باشد.

● اصل ۳: بانک‌ها باید ریسک اعتباری ذاتی موجود در کلیه محصولات و فعالیت‌ها را شناسایی و مدیریت کنند. بانک‌ها باید تضمین کنند که ریسک‌های محصولات و فعالیت‌های جدید، قبل از اینکه مطرح و پذیرفته شوند، باید تحت رویه‌های مدیریت و کنترل ریسک کافی قرار گرفته، و قبلاً توسط هیأت مدیره یا کمیته اختصاصی آن تصویب شوند.

۲۳- اساس یک رویه مدیریت ریسک اعتباری مؤثر، شناسایی و تحلیل ریسک‌های ذاتی موجود و بالقوه در هر محصول یا فعالیت است. در نتیجه، مهم است که بانک‌ها تمامی ریسک‌های اعتباری ذاتی در محصولات را که ارایه می‌کنند و فعالیت‌هایی را که درگیر آن هستند، شناسایی کنند. چنین شناسایی از یک بازبینی دقیق از مشخصه‌های ریسک اعتباری موجود و بالقوه در محصول یا فعالیت ریشه می‌گیرد.

۲۴- بانک‌ها باید درک واضحی از ریسک‌های اعتباری درگیر در فعالیت‌های پیچیده‌تر اعطای اعتبار را بوجود آورند (به عنوان مثال، اعطای وام به بخش‌های صنعتی معین، اوراق مالی، اختیارات کتبی ارایه شده از سوی مشتری (Options)، اوراق مشتقه اعتباری، سفته‌های اعتباری). این امر مهم است، چرا که ریسک اعتباری درگیر، با وجود اینکه برای بانکداری جدید نیست، ممکن است کمتر معلوم باشد و نسبت به ریسک فعالیت‌های اعطای اعتبار سنتی، نیاز به تحلیل بیشتری داشته باشد. اگرچه فعالیت‌های اعطای اعتبار پیچیده، نیاز به رویه‌ها و کنترل‌های سازمان‌یافته‌تری دارند، با وجود این، اصول اساسی مدیریت ریسک اعتباری هم بکار برده می‌شوند.

۲۵- فعالیت‌های اقتصادی جدید نیاز به برنامه‌ریزی قابل توجه و نظارت دقیق دارند تا تضمین نمایند که ریسک‌ها به طور مناسب شناسایی و مدیریت شده‌اند. بانک‌ها باید تضمین کنند که

- سابقه بازپرداخت وام‌گیرنده و توانایی فعلی او برای بازپرداخت، براساس روند مالی سابق و همچنین، روند جریان نقدینگی وی در آینده، تحت سناریوهای مختلف،

- برای اعتبارات تجاری، تخصص کاری وام‌گیرنده و وضعیت بخش اقتصادی وام‌گیرنده و موقعیت او در آن بخش،

- شرایط و ضوابط پیشنهاد شده برای اعتبار، شامل بیمه‌های طرح‌ریزی شده به منظور محدودکردن تغییرات در پرتفوی ریسک آتی وام‌گیرنده، و

- در مواردی که ممکن است، مناسب و لازم‌الاجرا بودن وثایق و ضمانت‌ها، تحت سناریوهای مختلف.

علاوه بر این، در مورد تصویب وام‌گیرندگان یا طرف‌های قرارداد برای بار اول، علاوه بر توجه به صلاحیت قانونی آنها جهت به عهده گرفتن این مسوولیت و تعهد، باید به اعتبار و درستی وام‌گیرنده یا طرف قرارداد هم توجه کرد. به محض اینکه ضوابط اعطای اعتبار پایه‌گذاری و برقرار شدند، ضروری است که بانک تضمین کند اطلاعاتی که دریافت می‌نماید، برای اتخاذ تصمیم‌های مناسب جهت اعطای اعتبار، کافی هستند. علاوه بر این، از این اطلاعات به عنوان پایه و اساسی برای درجه‌بندی ریسک تحت سیستم درجه‌بندی داخلی بانک، استفاده می‌شود.

۲۹- بانک‌ها باید مطلع باشند که به چه کسی اعتبار اعطا می‌کنند. بنابراین، قبل از ورود به هر رابطه اعتباری جدید، یک بانک باید با وام‌گیرنده یا طرف قرارداد آشنا شده و مطمئن شود که با یک شخص یا سازمان معتبر که شایستگی دریافت اعتبار را دارد، معامله می‌کند، خصوصاً سیاست‌های دقیقی باید به کار گرفته شوند تا از ارتباط با اشخاص درگیر در فعالیت‌های کلاهبردارانه و دیگر جرایم اجتناب شود. این امر از چند طریق قابل انجام است، از جمله درخواست توصیه و معرف از گروه‌های شناخته شده، دسترسی به ثبت‌های اعتباری، و آشنا شدن با اشخاصی که مسوول مدیریت یک شرکت هستند و بررسی معرف‌های شخصی و شرایط مالی آنها. البته یک بانک نباید به صرف اینکه وام‌گیرنده یا طرف قرارداد برای بانک آشنا است یا احساس می‌شود که از شهرت بالایی برخوردار است، به آسانی اعتبار اعطا نماید.

۳۰- بانک‌ها باید دارای رویه‌هایی باشند که به در نظر گرفتن اعتبارات، مواردی را که مناسب است تا یک گروه از بدهکاران به عنوان اشخاص مرتبط یا یکدیگر دسته‌بندی شوند، شناسایی کنند تا بتوان آنها

را به عنوان یک بدهکار در نظر گرفت. این امر خطرات نجمی مربوط به حساب‌هایی را که نشان‌دهنده ارتباطات درونی مالی در قالب یک شرکت و یا غیرشرکت بوده و دارای ارتباطات قوی می‌باشند (به عنوان مثال، مدیریت مشترک، وابستگی‌های خانوادگی)^(۳۱) شامل می‌شود. همچنین، بانک‌ها باید دارای رویه‌هایی برای تجمع خطرات مشتریان انفرادی در سراسر فعالیت‌های کاری باشند.

۳۱- بسیاری از بانک‌ها در وام‌های سندیکایی و یا سایر وام‌های مشترک، مشارکت می‌نمایند. بعضی از سازمان‌ها نیز به گونه‌ای بی‌مورد، به تحلیل‌های ریسک اعتباری مبنی بر بررسی وضعیت رهبر وام سندیکایی و یا درجه‌بندی اعتباری مؤسسات مربوط اعتماد می‌کنند، اما تمام افراد شریک در وام‌های سندیکایی لازم است که قبل از قبول هر گونه تعهدی، شخصاً نسبت به انجام بررسی‌های لازم، از جمله تحلیل ریسک اعتباری و شرایط و مقررات وام مزبور اقدام نمایند. هر بانک باید ریسک و بازده وام‌های سندیکایی را به همان روش وام‌هایی که منشأ آنها مستقیماً بانک است، تحلیل نماید.

۳۲- اعطای اعتبار همانگونه که سبب ایجاد سود می‌شود، مستلزم پذیرش ریسک نیز می‌باشد. بانک‌ها باید رابطه کارمزد - ریسک را برای هر اعتبار به صورت سودآوری کلی رابطه حسابداری ارزیابی کنند.

در ارزیابی چگونگی و عوامل اعطای اعتبار، بانک‌ها نیازمند برآورد ریسک براساس بازده مورد انتظار، عوامل مؤثر بر آن در بیشترین مقدار ممکن و نیز عوامل قیمتی و غیرقیمتی (مانند وثیقه و تضمین، قرارداد محدودکننده و ...) می‌باشند. همچنین، در ارزیابی ریسک، بانک‌ها باید سناریوی زیان و اثرات احتمالی آن بر وام‌گیرندگان و طرف‌های معامله را برآورد کنند. یک مسأله مشترک بین بانک‌ها نیز عدم گرایش به قیمت‌گذاری یک اعتبار و در نتیجه، عدم دریافت جبران مناسب برای ریسک‌های احتمالی می‌باشد.

۳۳- در مورد اعتبارات بالقوه، بانک‌ها باید ضرورت‌های مربوط به برقراری شرایط برای زیان‌های قابل پیش‌بینی و تعریف شده را مشخص ساخته و سرمایه مناسب برای مواجهه با زیان‌های غیرمنتظره را در نظر بگیرند. بانک باید این ملاحظات را برای تصمیمات اعطای اعتبار به همان صورتیکه در فرآیند مدیریت ریسک پورتنوی به حساب آورده شده، در نظر بگیرد.

۳۴- بانک‌ها می‌توانند از طریق بهینه کردن ساختار معاملات، وثایق و تضمین‌ها برای کاهش

ریسک (تعریف شده و ذاتی) در اعتبارات استفاده نمایند، اما به طور اساسی باید توانایی ظرفیت بازپرداخت وام‌گیرنده در مدنظر قرار گیرد.

وثیقه نمی‌تواند به عنوان جانشینی برای ارزیابی جامع وام‌گیرندگان و طرف‌های معامله یا وسیله‌ای برای جبران اطلاعات ناقص در نظر گرفته شود. این مسأله باید درک شود که اجرای عملیات اعتباری (مثل مسدود کردن) می‌تواند حاشیه سود معاملات را حذف کند. علاوه بر آن، بانک‌ها باید بر روی این مسأله دقت کنند که ارزش وثیقه ممکن است به وسیله همان عواملی که منجر به تقلیل پوشش اعتبار می‌شود، زیان ببیند. بانک‌ها باید سیاست‌هایی مانند قابلیت پذیرش انواع مختلف وثایق، رویه‌ها (برای ارزیابی ارزش اینگونه وثایق) و نیز رویه‌هایی را برای تضمین اینکه وثیقه در حال حاضر و به صورت مستمر قابل اجرا و نقد شدن باشد، دارا باشند.

در ارتباط با تضمین‌ها، بانک‌ها باید سطح پوشش در رابطه با کیفیت اعتبار و ظرفیت قانونی ضمانت‌کننده را ارزیابی کنند. بانک‌ها باید برای

● اساس یک بانکداری مطمئن و بی‌خطر، طراحی و پیاده‌سازی سیاست‌ها و رویه‌های مکثوب مربوط به شناسایی، اندازه‌گیری، بازرینی و کنترل ریسک اعتباری است.

اعمال مفروضاتی درباره حمایت از طرف اشخاص حقوقی ثالثی مانند دولت نیز دقت کافی داشته باشند.

۳۵- توافقات مؤثر، یک راه حل مهم برای کاهش ریسک‌های اعتباری، به خصوص در معاملات بین بانکی می‌باشد. به منظور اینکه ریسک اعتبار واقعاً کاهش یابد، این توافقات باید دقیق و از نظر قانونی قابل اجرا باشند.

۳۶- وقتی تضادهای واقعی یا بالقوه منافع در یک بانک وجود دارد، توافقات محرمانه داخلی (مانند Chinese Walls) باید به گونه‌ای برقرار شوند که از جهت تأمین تمامی اطلاعات مربوطه و مناسب از وام‌گیرنده، مانعی برای بانک وجود نداشته باشد.

● اصل ۵: بانک‌ها باید محدودیت‌ها و سقف‌های اعتباری برای افراد، وام‌گیرندگان و طرف‌های تجاری و گروه‌های تجاری به هم وابسته را تعیین نمایند. این امر باید خطرهای مختلف را به شکل قابل مقایسه و معنی‌داری - چه در سطح حساب‌های ترازنامه‌ای بانک و نیز حساب‌های زیرخط (خارج از ترازنامه) - به طور یکجا در نظر بگیرد.

۳۷- یک عنصر مهم مدیریت ریسک اعتبار، ایجاد محدودیت‌های مربوط به خطر بر روی طرف‌های معامله انفرادی و گروهی از طرف‌های معامله بهم وابسته می‌باشد. خطر محدودیت‌هایی که براساس درجه‌بندی ریسک داخلی در ارتباط با وام‌گیرنده یا طرف معامله دچار تغییرات می‌شود، در طرف معامله‌هایی که دارای درجه‌بندی ریسک بهتری می‌باشند، به صورت بالقوه قابل تعیین است. همچنین، این محدودیت‌ها باید برای صنایع خاص یا بخش‌های اقتصادی، مناطق جغرافیایی و نیز تولیدات خاص ایجاد شوند.

۳۸- تعیین محدودیت‌های خطر در تمامی فعالیت‌های بانک که درگیر ریسک اعتبار هستند، الزامی است. این محدودیت‌ها به تضمین اینکه فعالیت‌های مربوط به اعطای اعتبار در بانک به طور کافی متنوع باشد، کمک می‌کنند. همانطوریکه قبلاً ذکر شد، بسیاری از خطرهای اعتبار که در بعضی از بانک‌ها ایجاد می‌شوند، از فعالیت‌های بانکی و تجاری و نیز فعالیت‌های مربوط به اقلام ترازنامه و خارج از ترازنامه ناشی می‌شوند. محدودیت بر روی چنین معاملاتی، اثر ویژه‌ای در مدیریت کلی ریسک اعتبار یا ریسک طرف معامله یک بانک دارد. به منظور تأثیرگذاری، محدودیت‌ها باید عموماً اجباری بوده و قابل لغو به وسیله تقاضای مشتری نباشد.

۳۹- محاسبه مؤثر خطر آتی بالقوه، برای ایجاد محدودیت‌های معنی‌دار، تعیین شاخص حداکثر فعالیت بانک با طرف‌های معامله و میزان خطر در یک طرف معامله معین، به یک معیار خطر قابل مقایسه در فعالیت‌های مختلف بانک، اساسی می‌باشد.

۴۰- بانک‌ها باید نتایج آزمون فشار (Stress Testing) را در تعیین محدودیت‌های کلی همه جانبه و مراحل بازرسی در مدنظر قرار دهند. این آزمون فشار باید مشتمل بر چرخه اقتصادی، نرخ بهره و سایر عوامل بازار و نیز وضعیت نقدینگی باشد.

۴۱- محدودیت‌های اعتباری بانک باید مشخص شود و ریسک در نظر گرفته شده در ارتباط با قابلیت نقدینگی تقریباً زیاد به منظور مقابله با وضعیت‌هایی که در آن طرف‌های معامله قصور می‌ورزند، مورد بررسی قرار گیرد. در جاییکه بانک با یک طرف معامله چندین معامله را انجام می‌دهد، خطر بالقوه احتمالی وجود دارد. خطر احتمالی و بالقوه آتی باید در چندین افق زمانی محاسبه شود. همچنین، محدودیت‌ها باید عامل هر گونه خطر پوشش داده نشده در یک سناریوی نقدینگی را مشخص سازند.

● اصل ۶: بانک‌ها باید یک فرآیند ارزیابی مشخص برای تصویب اعتبارات جدید همانند اصلاحیه آن، تمدید و تأمین مالی مجدد اعتبارات موجود را در اختیار داشته باشند.

۴۲- بسیاری از افراد در یک بانک، درگیر فرآیند اعطای اعتبار هستند. این افراد متأثر از واحدهای اصلی تجارت، تحلیل اعتبار و تصویب اعتبار می‌باشند. علاوه بر آن، یک طرف معامله ممکن است با چندین حوزه بانک در خصوص انواع مختلف اعتبارات، ارتباط داشته باشد. بانک‌ها می‌توانند راه‌های متفاوت واگذاری مسوولیت‌ها را انتخاب کنند. با وجود این، فرآیند اعطای اعتبار باید با تلاش تمامی افراد متفاوت، هماهنگ باشد. این امر بی‌نقص بودن تصمیمات اعتباری را تضمین خواهد کرد.

۴۳- به منظور تداوم پورتفوی اعتبار بی‌نقص، بانک باید ارزیابی‌های لازم از معاملات را بر مبنای اصول رسمی ایجاد شده و فرآیند تصویب اعطای اعتبار انجام دهد. مصوبات باید با چارچوب‌های مکتوب بانک مطابق بوده و اعتبارات به وسیله سطح مناسبی از مدیریت اعطا شود. این امر باید با یک بازرسی شفاف مستند همراه باشد، به نحوی که فرآیند تصویب توأم با بررسی نهاده و امکانات فرد (افراد) و یا کمیته(ها) در راستای تصمیم اعتبار صورت پذیرد. بانک‌ها اغلب از طریق ایجاد گروه‌های ویژه اعتبار برای تحلیل و تصویب اعتبار در ارتباط با خطوط تولید مهم، انواع تسهیلات اعتبار و بخش‌های صنعتی و جغرافیایی، منفعت کسب می‌نمایند. بانک‌ها باید در جهت منابع تصمیم‌گیری اعتباری مناسب سرمایه‌گذاری کنند تا قادر به اتخاذ تصمیمات اعتباری بی‌نقص همراه با استراتژی اعتباری خودشان جهت دستیابی به زمان رقابت و مسایل مربوط به قیمت‌گذاری و ساختاردهی باشند.

۴۴- هر طرح پیشنهادی اعتبار باید تحت بررسی دقیق توسط تحلیل‌گر باتجربه و ماهر اعتباری، متناسب با اندازه و پیچیدگی معامله باشد. یک فرآیند ارزیابی مؤثر، حداقل اطلاعاتی را که تحلیل براساس آن انجام می‌شود، فراهم می‌آورد. همچنین، باید سیاست‌هایی در ارتباط با اطلاعات و اسناد مورد نیاز برای تصویب اعتبارات جدید، تجدید اعتبارات موجود و تغییر شرایط اعتبارات تصویب شده قبلی وجود داشته باشند. اطلاعات دریاقتی، پایه‌ای برای ارزیابی داخلی یا تعیین نرخ‌گذاری اعتبار مربوطه، همچنین، مناسب بودن و کفایت آن برای قضاوت مناسب جهت پذیرش اعتبار برای مدیریت دارای اهمیت خواهند بود.

۴۵- بانک‌ها باید گروه ماموران ریسک اعتبار را

که دارای تجربه، دانش و پیش زمینه قضاوت محتاطانه در زمینه تعیین، تصویب و مدیریت ریسک‌های اعتباری باشند، گسترش دهند. فرآیند تصویب اعطای اعتبار یک بانک باید پاسخگوی تصمیمات گرفته شده باشد و شخصی را که دارای اجازه مطلق تصویب اعتبار یا تغییر شرایط آن باشد، برگزیند. بانک‌ها از ترکیبی از اجازه امضای افراد، اجازه دوگانه و گروه تصویب اعتبار یا کمیته، که بستگی به اندازه و طبیعت اعتبار دارد، استفاده می‌کنند، اما باید توجه داشت که مجوزهای تصویب باید متناسب با مهارت افراد باشد.

● اصل ۷: اعطای اعتبارات باید به گونه‌ای آزاد و مستقل صورت بگیرد، خصوصاً در زمینه اعطای اعتبارات به شرکت‌ها و افراد وابسته‌ای که براساس استثناهای خاص صورت می‌گیرد، لازم است که احتیاط‌ها و نظارت‌های خاصی اعمال شود و روندهای

زمانی که بانک‌ها درگیر اعطای اعتبار به صورت بین‌المللی می‌شوند، علاوه بر ریسک اعتباری استنادی، متعهد ریسک مربوط به شرایط کشور وام‌گیرنده یا طرف قرار داد خارجی نیز می‌شوند.

مناسبتی برای کنترل و تخفیف ریسک مربوط به اعطای این نوع اعتبارات که به طور غیرمستقل صورت می‌گیرند، در نظر گرفته شود.

۴۶- اعطای اعتبار باید براساس ضوابط و روندی باشد که در بالا ذکر شد. این امر یک سیستم کنترل و موازنه‌ای را بوجود می‌آورد که موجب توسعه تصمیم‌گیری اعتباری بدون عیب و سالم می‌شود. بنابراین، مدیران، مدیریت ارشد و دیگر گروه‌های مؤثر (مانند سهامداران) نباید در پی زیر پا گذاشتن فرآیند اعطای اعتبار بانک و روند نظارتی بانک باشند.

۴۷- یکی از سواستفاده‌های بالقوه از اعطای اعتبارات به افراد غیرمستقل و یا گروه‌های مرتبط با آنها، از شرکت‌ها و یا افراد ناشی می‌شود (۳). در نتیجه، مهم است که بانک‌ها اعتبار را بر مبنای استقلال و بی‌طرفی، به افراد و گروه‌ها اعطا نموده و میزان اعتبار نیز به طور مناسبی نظارت شود.

نظارت‌های مزبور باید براساس ایجاد الزاماتی باشد که مطابق آن، ضوابط مزبور به منظور اعطای اعتبار به وام‌گیرندگان وابسته و غیروابسته در شرایط یکسان، مساوی بوده و همچنین، باید بر اینگونه اعتبارات، محدودیت‌های صریحی اعمال شود.

بنابراین، شفاف‌سازی ضوابط اعطای اعتبارات به افراد وابسته، از جمله سایر روش‌های کنترلی ممکن می‌باشد. معیارهای اعطای اعتبارات نباید در رابطه با شرکت‌ها و افراد مشابه تفاوت داشته باشد.

۴۸- معاملات کالا با گروه‌های وابسته باید منوط به تصویب هیأت مدیره (به جز اعضای هیأت مدیره که دارای تعارض منافع هستند) باشد و با شرح و تفصیل مشخصی (مانند یک وام بزرگ با سهام‌دار عمده) به ناظران مجاز بانکداری گزارش شود.

ادامه دارد

زیر نویس‌ها

(۱) این مقاله به یک ساختار مدیریتی متشکل از هیأت مدیره و مدیران ارشد اشاره دارد. کمیته آگاه است که تفاوت‌های مهمی در چارچوب‌های قانونی و نظارتی و تنظیمی کشورهای مختلف وجود دارد که مربوط به وظایف هیأت مدیره و مدیران ارشد می‌شود. در بعضی از کشورها، اگر به صورت انحصاری نباشد، هیأت مدیره وظیفه اصلی سرپرستی و نظارت گروه اجرایی (مدیران ارشد، مدیران عمومی) را بر عهده دارد تا تضمین کند که گروه دوم وظایف خود را به انجام می‌رسانند. به همین دلیل، در بعضی موارد، به عنوان یک هیأت سرپرستی شناخته شده است. این بدین معنا است که هیأت مدیره هیچ وظیفه اجرایی ندارد. در مقایسه ملاحظه می‌شود که در کشورهای دیگر، هیأت مدیره کارایی گسترده‌تر و جامع‌تری دارد، به طوری که چارچوب کلی مدیریت بانک را ارایه می‌دهد. به دلیل این تفاوت‌ها، در این مقاله منظور از هیأت مدیره و مدیران ارشد، شناسایی ساختارهای قانونی نیست، بلکه به منظور رده‌بندی دو وظیفه تصمیم‌گیری در بانک است.

(۲) ممکن است برای بانک‌های کوچک این امر مشکل باشد، با وجود این، کنترل‌ها و موازنه‌های کافی باید در مدنظر باشند تا تصمیمات اعتباری بی‌خطری اتخاذ شوند.

(۳) همکاران مرتبط با یکدیگر ممکن است یک گروه از شرکت‌هایی باشند که به صورت مالی یا به وسیله مالکیت، مدیریت، تحقیق و توسعه و بازاریابی مشترک یا هر ترکیب وابسته به آن، با یکدیگر رابطه داشته باشند. شناسایی همکاران مرتبط، نیاز به یک تحلیل دقیق از برخورد این عوامل بر روی وابستگی‌های داخلی مالی گروه‌های درگیر دارد.

(۴) گروه‌های مرتبط می‌توانند شامل نمایندگان و یا شعب بانک، سهامداران عمده، اعضای هیأت مدیره و مدیران ارشد، و منافع مستقیم و یا مرتبط با آنها، همچنین، افرادی باشند که بانک بر آنها و یا آنها بر بانک کنترل دارند.